



# آواز مردم در فرایند صلح

محمد فهیم دشتی

FRIEDRICH  
EBERT   
STIFTUNG



# آواز مردم در فرایند صلح

سنبله ۱۳۹۸



---

پیشگفتار.....	vi
آواز مردم در فرایند صلح.....	۱
گروه پالیسی افغانستان.....	۲
موقف گیری در قبال روند صلح/یک نظر خواهی اجمالی.....	۲
خلاصه:.....	۶
۱- توسعه اقتصادی:.....	۷
۲- برخورد بالمثل و همکاری با همسایه گان:.....	۷
۳- کاهش بحران از طریق آموزش و پرورش:.....	۸
۴- رفع نا امنی و خشونت:.....	۹
۵- همدیگر پذیری:.....	۱۰
۶- عدالت برای همه افغان ها:.....	۱۱
جمع بندی:.....	۱۲

## پیشگفتار

باعث شده است که این کشور به شدت وابسته و در معرض تأثیرات و منافع خارجی باشد. علاوه بر این، همچنان که میلیون ها افغانانیکه زندگی خود را در خارج از کشور ادامه می دهند، گفتگو و اعتماد سازی به همان اندازه که در بین خودشان و سطح منطقه، همسایگان و رقبا در کشورهای اطراف افغانستان وجود دارد از اهمیت برخوردار هستند.

برای بسیاری از ناظران، توافق نامه ای که راه صلح و ثبات را هموار می کند، در دسترس است. اما برخی دیگر، به درستی تعجب می کنند که چه چیزی ممکن است برای دستیابی به این ترتیب، که با دقت توسط دیپلمات ها و سیاستمداران تأثیرگذار، واقعاً تحول گرا تهیه شده، ارزش بیشتری از مقاله ای که روی آن نوشته شده است، ایجاد شود. برای رسیدگی به این سؤال، FES و گروه پالیسی افغانستان در اوایل سال ۲۰۱۹ پروژه را تحت نام آواز مردم در پروسه صلح را راه اندازی کردند. صدها افغان از اقشار مختلف در نظرسنجی ها و مباحث میزگردی شرکت کرده و ده ها توصیه را ایجاد کرده اند که شامل یک اجندا صلح که توسط خود مردم ایجاد و تنظیم شده که سر آغاز یک پروسه برای تصمیم گیرندگان و بزرگان و عموم مردم میباشد. در طی این پروژه، آنها نگرانی ها، امیدها و ایده های خود را ابراز کردند، و زمینه ای را برای بحث و گفتگو جامع در بین بخش های بزرگتر جامعه و بین تصمیم گیرندگان و عموم مردم فراهم کردند.

ما احترام خود را نسبت به رییس پروژه گروه پالیسی افغانستان و نویسنده این مختصر، آقای فهیم دشتی، و همکارانشان، به خاطر تعهد بی دریغ شان به هموطنان و آینده صلح آميز ابراز قدردانی می کنیم.

**داکتور مگدالینا کرجنر**

رئیس

اف ای اس افغانستان

**امام الدین همدرد**

هماهنگ کننده برنامه های

اف ای اس افغانستان

بنیاد فریدریش ایبرت (FES)، قدیمی ترین بنیاد سیاسی آلمان (تأسیس در سال ۱۹۲۵) متعهد به ایده های اصلی و ارزش های سوسیال دموکراسی است. FES دارای بیش از ۱۰۰ دفتر در سراسر جهان است، بسیاری از آنها در مناطقی با حاکمیت محدود دولتی و یا حتی منازعه، و در صلح و آشتی در تعدادی از جوامع پس از جنگ کار می کنند. FES از طریق مطالعات، کنفرانس ها و سمینارها، ایجاد ظرفیت صلح و گفتگو فراگیر را برای کمک به دستیابی با ثبات و رفاه پایدار برای همه فراهم میکند.

در افغانستان که اخیراً صدمین سالروز استقلال خود را از استعمار جشن گرفته است، به نظر می رسد تلاش برای صلح پدیده اختتام ناپذیر است. حدود چهار دهه است که خشونت و جنگ بر زندگی روزمره هر خانواده ای که تصمیم به ماندن در کشور را گرفته اند یا قادر به ترک آن نبوده اند، تأثیر داشته است. میلیون ها فردیکه به کشورهای همسایه و از آن هم فراتر مهاجرت کرده اند، آسیب های جنگ داخلی را با خود بردند. درگیری طولانی و همچنین نابودی و آواره گی پیوسته آن مانع توسعه و ایجاد نهادهای است که خدمات، عدالت و امنیت را ارائه می دهند.

FES در سال ۲۰۰۲ دفتر خود را در کابل گشود که افغانستان، سال مهمی برای کشور جنگ زده تشکیل میداد که بسیاری از بازیگران بین المللی متعهد به تثبیت و بازسازی این سرزمین بودند، که بیشتر آنها در تلاش برای یک افغانستان دموکراتیک و صلح آمیز بودند. از آن زمان تا اکنون، FES زمینه ای برای ایجاد صلح فراگیر را برای کمک به افغان ها در تأمین دستاوردهای خود، سازگاری با چالش های جدید و شکستن چرخه بی اعتمادی و خشونت فراهم می کند.

دیپلماسی فعال بین المللی، به ویژه که توسط مقامات دولتی، نمایندگان طالبان و تعداد فزاینده ای از نمایندگان ویژه در مورد افغانستان از ایالات متحده، آلمان، اتحادیه اروپا و روسیه انجام می شود، در یک سال گذشته مورد توجه فوق العاده ای قرار گرفته است. جلسات بین طرفین درگیری و تلاش های مذاکره با واسطه اشخاص ثالث، از جمله، در دوحه، مسکو، پکن، تاشکند و اسلو انجام شده است. حمایت بین المللی بسیار مهم است زیرا ضعف نهادهای دولتی و محدود بودن مرزهای افغانستان



در اوایل سال ۲۰۱۸ گرداننده گان گروه پالیسی افغانستان و مسؤولان بنیاد فریدریش ایبرت، روی طرحی برای احیای دوباره و فعال سازی بیشتر گروه پالیسی افغانستان، کار کردند که در نتیجه آن تغییرات ساختاری در این گروه اعمال شده و همچنان، اهداف گسترده تری برای گروه، تعریف گردید.

در حال حاضر گروه پالیسی افغانستان در زمینه های امنیتی/سیاسی، اقتصادی، رسانه یی و مهاجرین، در سطوح ملی و منطقه یی، فعال است.

### موقف گیری در قبال روند صلح/ یک نظر خواهی اجمالی

در جریان نشست های یاد شده، نزدیک به ۴۰۰ تن از شرکت کننده گان در یک نظر خواهی که در آن از موقف شان در قبال روند صلح و بازیگران این روند و همچنان نگرانی های شان از توافق صلحی که به میان خواهد آمد، مسأله امنیت و ارزش هایی که نباید در جریان گفتگو های صلح قربانی شود، پرسیده شده بود، نیز شرکت کردند.

در مورد گفتگو های جاری صلح، اکثر شرکت کننده گان (بیش از ۵۰ درصد در همه ولایات) خوشبین بوده و اعتماد شان را ابراز کردند. با این حال تفاوت نظر میان شرکت کننده گان ولایت های مختلف وجود داشت؛ به عنوان مثال آنهایی که خوشبین بودند در نگرهار بیشترین تعداد را داشتند؛ ولی در هرات نزدیک به ۵۰ درصد شرکت کننده گان ابراز نگرانی کرده و این گفتگو ها را

این نشست ها در ماه های می و جون ۲۰۱۹ در ولایت های مختلف برگزار شد.



دین، بزرگان قومی، دانشگاهیان، فعالان جامعه مدنی و مسؤولان رسانه ها، به این نشست ها دعوت شده بودند. این نشست ها در ماه های مارچ الی جون ۲۰۱۹ از سوی گروه پالیسی افغانستان برگزار شد.

در هر کدام از نشست های برگزار شده، شرکت کننده گان در شش گروه کاری با عنوان های صلح و توسعه اقتصادی، صلح و همسایه گان، صلح و همدیگر پذیری، صلح و امنیت، صلح و معارف و صلح و عدالت، که از قبل از سوی گروه پالیسی افغانستان مشخص شده بود، به بحث های طولانی پرداختند.

در پایان بحث ها، نماینده گان هر کدام از گروه ها، نتایج بحث های شان را با دیگر شرکت کننده گان شریک ساختند.

آنچه در ذیل می آید، مختصر بحث های گروهی و خواست ها و پیشنهادات شرکت کننده گان نشست های مذکور است.

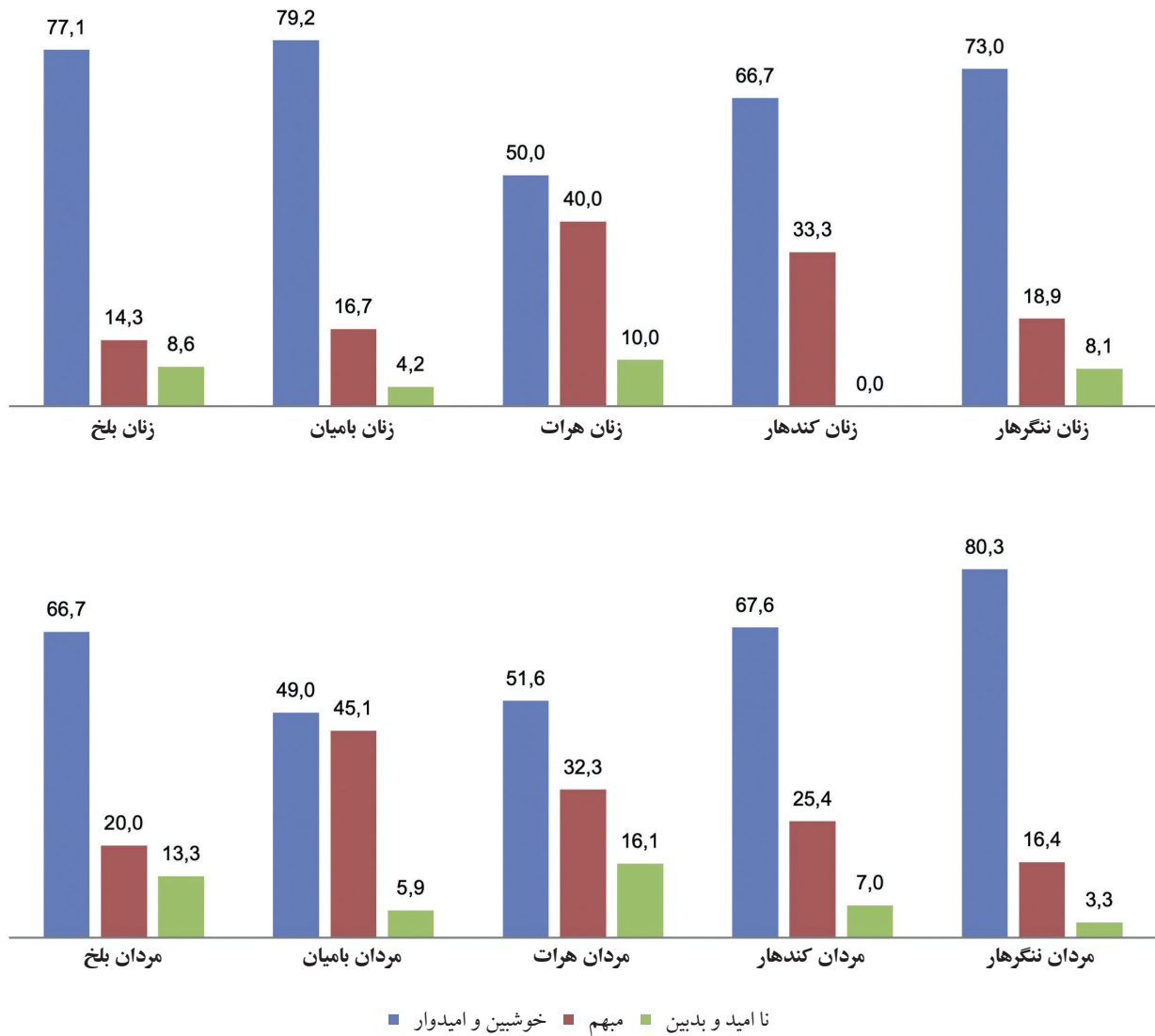
### گروه پالیسی افغانستان

گروه پالیسی افغانستان با هدف حضور در گفتگو های منطقه یی، در اواخر سال ۲۰۱۱ میلادی ایجاد شد. بنیاد آلمانی «فریدریش ایبرت»، که حامی اصلی گروه پالیسی افغانستان است، گروه های پالیسی مشابه را در هندوستان و پاکستان نیز حمایت می کرد و زمینه گفتگو های آنها با گروه پالیسی افغانستان را مساعد می ساخت.

در گام بعدی، کار شناسان دولتی و غیر دولتی کشورهای آسیای میانه، ایران، چین، روسیه و ترکیه نیز به این گفتگو ها دعوت شدند و گروه پالیسی افغانستان، نشست های دوجانبه، سه جانبه و چند جانبه را با این کارشناسان و گروه های پالیسی (در مجموع ۶۵ کار شناس از کشور هایی که نام برده شد) برگزار کرد که نتیجه آن طرح یک پالیسی منطقه یی با عنوان «تصور افغانستان بعد از ۲۰۱۴» بود که به ریشه یابی مشکلات موجود در افغانستان و منطقه پرداخته و برای هر کدام از این مشکلات، راه حل هایی را پیشنهاد کرد.

این طرح با هدف شامل شدن در پالیسی های ملی، منطقه یی و جهانی در کابل، دهلی، اسلام آباد، نیویارک و بروکسل با نهاد های دولتی و غیر دولتی شریک ساخته شد.





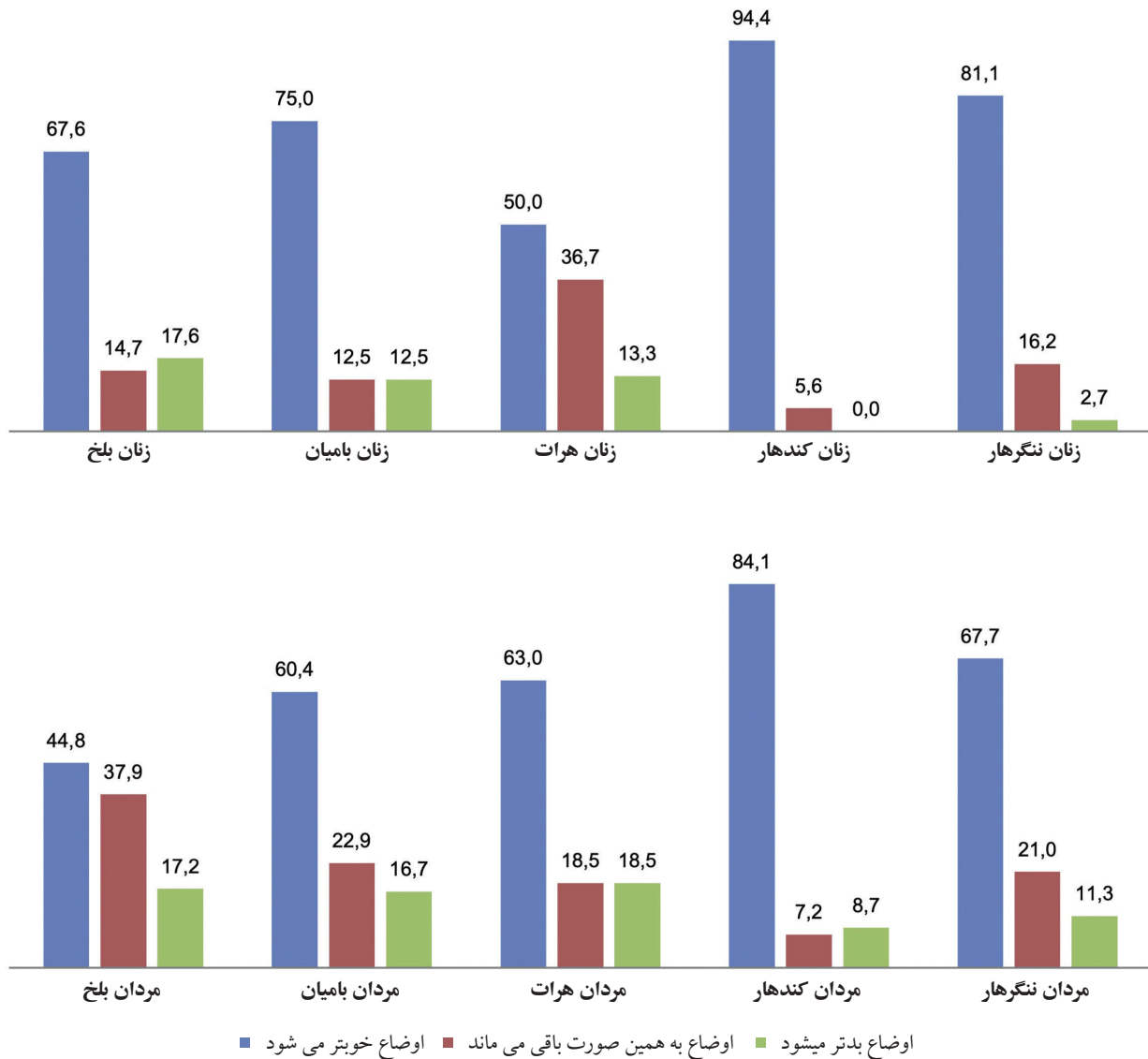
ابراز رضایت بیشتری داشتند به ویژه در ننگرهار، کندها و هرات؛ در حالی که تعداد قابل توجهی از شرکت کننده گان در بامیان و بلخ، از نقش دولت در این روند نگران بوده و ابراز نارضایتی می کردند.

اکثریت قاطع شرکت کننده گان این نظر خواهی، نقش عمده و سرنوشت سازی برای مردم در فرایند صلح قایل بودند؛ با این حال اکثر آنها در مورد این که مردم این نقش را دارند یا خیر بد بین بوده و ابراز نارضایتی می کردند؛ با این حال شرکت کننده گان نظر خواهی در ننگرهار و کندهار، به نقشی که مردم در روند صلح

آمیخته با ابهام می خوانده اند.

در بلخ و بامیان، زنان بیشتر از مردان به روند جاری صلح خوشبین بودند؛ اما در ننگرهار؛ جایی که میزان خوشبینی از دیگر ولایات بیشتر بود، زنان شرکت کننده، کمتر ابراز خوشبینی کرده اند. همچنان در نتیجه این نظر خواهی معلوم شد که میزان بد بینی و نگرانی در میان مردان در هرات و بامیان بیشتر بوده و زنان در هلمند و بلخ ابراز بیشترین بد بینی کرده اند.

در مورد موقف و نقش دولت در فرایند صلح، بیش از ۷۰ درصد شرکت کننده گان در همه ولایات، راضی بودند. از این میان زنان

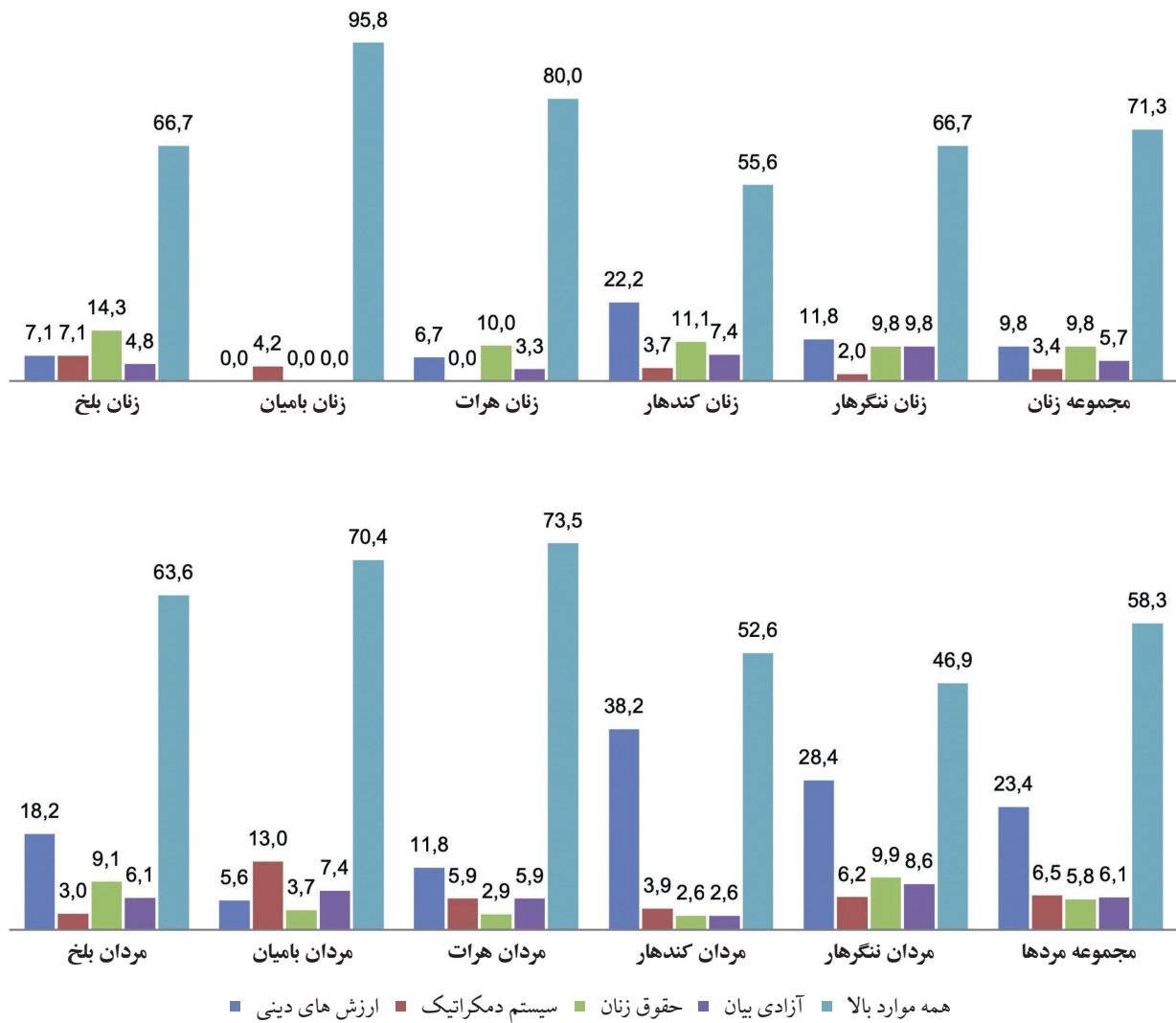


روند صلح را مثبت ارزیابی کردند. تنها در بامیان، نزدیک به یک سوم زنان پاسخ دهنده، نقش طالبان را مثبت می خواندند و زنان پاسخ دهنده در ولایت های ننگرهار، کندهار و بلخ باور داشتند که موقف طالبان در فرایند صلح، ضعیف است؛ اما زنان در هرات به این باور بودند که موقف طالبان در گفتگو های صلح، برتر است.

اکثریت شرکت کننده گان این نظر خواهی اعم از زنان و مردان، از نقش ایالات متحده در فرایند صلح راضی بودند؛ اما میزان ناراضی ها قابل تأمل بود به ویژه در بامیان که در صد

خواهند داشت، خوشبین بودند؛ ولی میزان بدبینی در این رابطه در میان شرکت کننده گان هرات، در پایین ترین سطح قرار داشت؛ یکی از هر پنج پاسخ دهنده.

در پاسخ به این پرسش که نقش طالبان را در فرایند صلح چگونه می بینند، مردان پاسخ دهنده بیشتر از زنان به این باور بودند که طالبان در این جریان نقش برتر دارند. این باور بیشتر در میان مردان پاسخ دهنده در بلخ، بامیان وجود داشت؛ در حالی که مردان در هرات موقف طالبان را ضعیف می خواندند. در واقع یک چهارم پاسخ دهنده گان نقش طالبان در



پرسش دیگر این بود که کدام ارزش ها نباید در فرایند صلح قربانی شوند. اکثر شرکت کننده گان هر چهار گزینه (ارزش های دینی، دموکراسی، آزادی بیان و حقوق زنان) را نشانی کرده بودند؛ با این حال در ننگرهار و کندهار بیشتر بر ارزش های دینی تأکید شده بود، در بلخ و ننگرهار اکثر مردان، بر حقوق زنان تأکید داشتند و حفظ ارزش های دموکراتیک، بیشترین طرفدار را در میان پاسخ دهنده گان در بامیان داشت.

بالایی از زنان و مردان پاسخ دهنده، از نقش ایالات متحده در این روند ناراض بودند.

از پاسخ دهنده گان خواسته شده بود که انتظارات شان را از فرایند جای صلح بیان کنند. اکثر پاسخ دهنده گان امید وار به نتیجه مثبت از این فرایند بودند به ویژه در ننگرهار، کندهار و بامیان؛ ولی در هرات و بلخ، پاسخ دهنده گان ابراز نگرانی کرده و حتا به این باور بودند که ممکن است وضعیت از این هم بد تر شود.



شرکای بین المللی آن، دنبال می کنند.

برنامه ریزی برای رفع وابسته گی از کمک های خارجی و طرح اقتصاد تولید محور، مبارزه با فساد اداری، جلب سرمایه گذاری ها و استفاده از موقعیت ترانزیتی منحصر به فرد افغانستان در منطقه، پیشنهادات عمده شرکت کننده گان بود که می خواستند در ستراتیژی صلح، گنجانیده شود. شرکت کننده گان به این باور بودند که در کوتاه مدت، می توان عدالت را قربانی تأمین صلح کرد؛ اما در دراز مدت، هیچ صلحی بدون عدالت نمی تواند، دوام بیاورد. آنها هم چنان از دولت و طالبان می خواستند که برای توقف تلفات غیر نظامی، به زودی روی یک آتش بس پایدار، توافق کنند.

در نشست های برگزار شده، بیسوادی و جهل از عوامل عمده تداوم جنگ و عدم دست یابی به صلح خوانده شده و به ویژه روی تعلیمات دینی که نباید جدا از تعلیمات عمومی باشد، تأکید شد. افزایش سرمایه گذاری بر تعلیمات ابتدایی و تحصیلات عالی با هدف ایجاد زمینه تعلیم و تحصیل برای همه کودکان و جوانان و ارتقای کیفیت تعلیمات ابتدایی و تحصیلات عالی از دیگر خواسته های شرکت کننده گان بود. به باور آنها صلح در یک جامعه با سواد می تواند دوام بیاورد. رابطه صلح و امنیت از سوی شرکت کننده گان، به هم خوانده شد و نظر غالب در میان آنها این بود که صلح، بدون امنیت و امنیت، بدون صلح به دست نخواهد آمد. شرکت کننده گان بر آتش بس فوری تأکید داشتند و به این باور بودند که اقشار مختلف مردم می توانند در همصدایی و هماهنگی، اهرم فشار مؤثری بر دو طرف جنگ برای تأمین آتش بس باشند. تنش های اجتماعی موجود به ویژه تنش های قومی و زبانی، از نظر شرکت کننده گان یکی از موانع بزرگ بر سر راه صلح خوانده شد

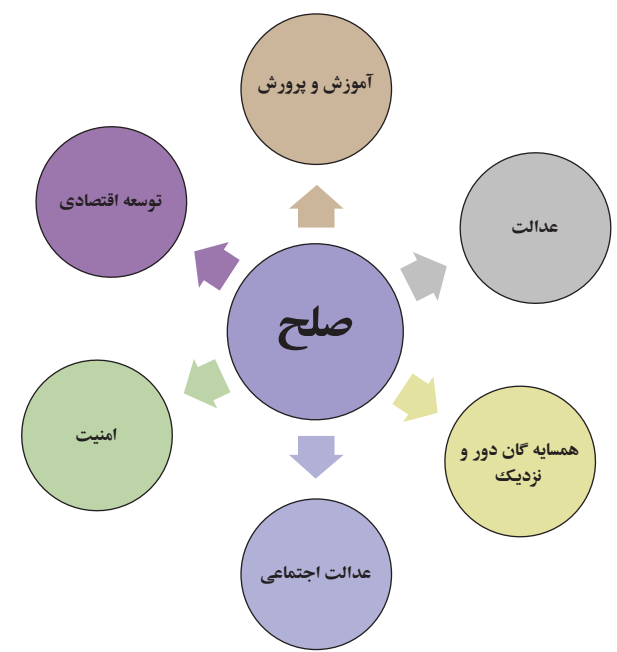
**خلاصه:**

این متن حاوی پیشنهادها و نظریات بیش از ۶۰۰ تن از افغان هاست که در نشست های زیر عنوان «آواز مردم در فرایند صلح» در ولایت های بلخ، بامیان، کندهار، ننگرهار و هرات شرکت کرده بودند.

این نشست ها در ماه های می و جون ۲۰۱۹ از سوی گروه پالیسی افغانستان برگزار شد. شرکت کننده گان هر کدام از این نشست ها، در شش محوری که از سوی گروه پالیسی افغانستان، تعیین شده بود (صلح و توسعه اقتصادی، صلح و همسایه گان، صلح و همدیگر پذیری، صلح و امنیت، صلح و معارف و صلح و عدالت) در گروه های کاری به بحث پرداختند. نتایج بحث های مذکور به گونه طبیعی نکات نظر مشترک شرکت کننده گان در برخی موارد و تفاوت نظر آنها در شماری دیگر از مسایل را به همراه داشت.

در مورد همسایه گان و کشور های منطقه و فرا منطقه، شرکت کننده گان نشست های ذکر شده، عمدتاً به این نظر بودند که منافع مشروع این کشور ها در فرایند صلح باید در نظر گرفته شود و آنها نیز نباید دنبال منافع غیر مشروع در افغانستان باشد.

به نظر شرکت کننده گان، حل مشکلات تاریخی، اقتصادی و سیاسی با شماری از کشورهای همسایه از جمله پاکستان و ایران نیز باید بخش عمده ای از ستراتیژی صلحی باشد که دولت افغانستان و



تهدید های امنیتی که آنان ایجاد می کنند، حتی کوچکترین گام ها در مسیر ارائه خدمات ابتدایی برای مردم برداشته نشده است حالا که امکان تأمین صلح در افغانستان به وجود آمده، این نگرانی شدیداً مطرح است که حتی در صورت توافق سیاسی برای صلح، مشکلات اقتصادی می تواند، زمینه ساز اخلاص صلح و امنیت باشد.

برای توسعه اقتصادی که ممد صلح باشد، نکات ذیل باید در استراتژی که دولت افغانستان و شرکای منطقه یی و جهانی صلح، برای تأمین صلح پایدار در افغانستان، طرح و تطبیق خواهند کرد، در نظر گرفته شود:

- طرح برنامه های توسعه یی که اقتصاد افغانستان را از نیاز به کمک های خارجی به صورت تدریجی، فارغ بسازد و اقتصاد تولید محور را با جلب سرمایه گذاری های داخلی و خارجی، تسهیل کند.
- جلب سرمایه گذاری ها در منابع استخراج افغانستان.
- طرح توسعه اقتصادی متعادل در سراسر کشور به دور از سلیقه های سیاسی، قومی و منطقه یی.
- طرح و تطبیق برنامه های مشخص و کارآمد برای مبارزه با فساد که اقتصاد افغانستان را شدیداً آسیب رسانده است.
- استفاده از موقعیت ترانزیتی افغانستان به عنوان یکی از منابع در آمد های داخلی.

## ۲- برخورد بالمثل و همکاری با همسایه گان:

در تاریخ معاصر افغانستان، روابط این کشور با همسایه گان همواره دچار تنش بوده است، با این حال هنوز فرصت همکاری و ایجاد اعتماد با آنان وجود دارد. روابط تنش آلود میان افغانستان و پاکستان، به امنیت هر دو کشور آسیب رسانده است. هر دو کشور یکدیگر را به حمایت از مخالفین مسلح خود متهم می کنند. مشکل خط مرزی دیورند یکی از عوامل اصلی مداخله پاکستان در افغانستان به شمار می رود و مشکلات ترانزیتی افغانستان از مسیر پاکستان یا ترانزیت پاکستان از مسیر افغانستان، همچنان شدید است. در سال های اخیر مشکل تقسیم آب های مشترک و حضور میلیون ها پناهنده افغان در پاکستان و شماری از پناهنده گان پاکستان در افغانستان، روابط دو کشور را پیچیده تر کرده است. شرکت کننده گان به این باور بودند که پاکستان همواره از حضور

و تأکید آنان بر این بود که در جریان گفتگو های صلح باید به از میان برداشتن این تنش ها، توجه جدی صورت بگیرد، در غیر آن، این تنش ها می تواند آینده صلح را با خطر مواجه سازد.

در مجموع، شرکت کننده گان نشست های « آواز مردم در فرایند صلح» به این باور بودند که نادیده گرفتن نقش مردم در فرایند صلح و نشنیدن صدای آنان در این پروسه، باعث ایجاد نقص های عمده در هر گونه توافق احتمالی صلح خواهد شد.

## ۱- توسعه اقتصادی:

افغانستان بخت این را دارد که صلح و توسعه اقتصادی در آن، یک دیگر را تقویت کنند، در حالی که یکی بدون دیگری نمی تواند دوام بیاورد در نبود صلح در هژده سال گذشته با وجود سرازیر شدن میلیارد ها دالر کمک های خارجی، افغانستان، هنوز از جمله کشور های کمترین توسعه یافته است.

عواید دولت در ۲۰۱۷ به عدد دو رقمی رسید و صادرات به ۲۸ درصد افزایش یافت، با این حال بر بنیاد آمار بانک جهانی عواید داخلی تقریباً نصف بودجه عادی دولت را تشکیل می دهد.

هر چند کمک های جهانی، اقتصاد فروپاشیده افغانستان را به گونه محدود، متحول کرد؛ اما در صورتی که امنیت وجود می داشت و دولت ها به جای این که بخش عمده زمان، انرژی و امکانات شان را صرف تأمین امنیت می کردند، فرصت برنامه ریزی های کلان توسعه یی را می داشتند و این برنامه ها را تطبیق می کردند، وضعیت اقتصادی افغانستان می توانست به مراتب بهتر از آنچه است، باشد در برخی از مناطق کشور به دلیل حضور گروه های تروریستی یا



- پناهنده گان افغان، به عنوان اهرم فشار استفاده کرده و این پناهنده گان منبع اصلی سربازگیری گروه های تروریستی نیز بوده اند.
- با وجود این که حضور پناهنده گان افغان به اندازه دهه ۸۰ میلادی نیست؛ اما آمار رسمی نشان می دهد که شمار افغان هایی که در سال های اخیر به پاکستان پناهنده شده اند، نزدیک به تعداد برگشت کننده گان افغان از این کشور است. روابط ایران و افغانستان نیز از مسایل مشابه متأثر است. ایران از حضور نیرو های امریکایی و ناتو در افغانستان علناً ناراض است و در مواردی ایران متهم به حمایت از طالبان و دیگر گروه های تروریستی فعال در افغانستان شده است.
- در کنار مشکل تقسیم آب های مشترک، حضور حدود چهار میلیون پناهنده افغان در ایران، روابط دو جانبه را متأثر ساخته است. پناهنده شدن افغان ها به ایران در سال های گذشته متوقف نشده؛ اما شمار برگشت کننده از ایران قابل ملاحظه بوده در سال ۲۰۱۸ به حدود یک و نیم میلیون تن می رسید.
- برخورد مامورین دولتی، به ویژه ماموران امنیتی ایران با این پناهنده گان، سبب نارضایتی های فراوان در میان افغان شده و گاهی روابط دو کشور را به تنش می کشاند. همسایه های شمالی افغانستان (تاجیکستان، اوزبیکستان و ترکمنستان) به باور شرکت کننده گان، نه تنها این که نقش مخرب نداشته اند، که در برخی موارد، وضعیت در افغانستان باعث نگرانی های امنیتی برای آنها بوده، به گونه مثال این کشورها از تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان، تا حدی آسیب دیده اند. چین به عنوان یکی از همسایه های افغانستان در سال های گذشته، اعتنای چندانی به مسایل افغانستان نداشته؛ اما به تازه گی (سه - چهار سال اخیر) به تدریج می توان نقش پای سیاست های چین را در افغانستان دید، از جمله در حمایت هایی که از پاکستان داشته یا در برنامه های کلان اقتصادی منطقه یی و جهانی که دنبال می کند.

### ۳- کاهش بحران از طریق آموزش و پرورش:

- سطح پایین سواد و نقص در تعلیم و تربیه، عامل بسیاری از بدبختی های اجتماعی از جمله نزاع و خشونت و درگیری، می تواند باشد. در افغانستان صلح را افراد با سواد و چیز فهم می توانند تبلیغ کنند.
- هنوز و با وجود این که در سال های پسین، سرمایه گذاری های قابل توجهی در این بخش - از تعلیمات ابتدایی گرفته تا درجه های مختلف تحصیلات عالی - صورت گرفته، سطح پایین تعلیم و تربیه یکی از چالش های اجتماعی به شمار می رود.
- در سال های اخیر پیشرفت هایی هم در این زمینه صورت گرفته، به گونه مثال بر بنیاد آمار های موجود ۹ میلیون کودک و جوان



- همسایه گان دور تر (قدرت های منطقه یی از جمله کشور های عربی، ترکیه، هند و روسیه) نیز در مسایل افغانستان درگیر هستند و در کنار حضور جامعه جهانی در افغانستان، حضور این همه بازگیر، سبب پیچیده گی وضعیت شده است.
- هر گونه استراتژی صلح برای افغانستان تنها باید آن بخش از منافع بازیگران منطقه یی و جهانی را که از نظر افغان ها مشروع پنداشته می شود، تأمین کند.

- شود.
- دولت افغانستان باید برنامه‌های ویژه برای تشویق خانواده‌ها در جهت شامل ساختن کودکان شان به مکاتب، طرح تطبیق کننده داشته باشند.
- برای مبارزه با بیسوادی در میان بزرگسالان یا جوانانی که از مکتب باز مانده اند، راهکارهای تازه و مشخص جستجو و اجرایی شود.
- در حال حاضر، مدارس دینی به ارائه تعلیمات دینی می‌پردازند؛ در حالی که تمامی کودکان باید در مراحل ابتدایی به تعلیمات عمومی دسترسی داشته و تعلیمات دینی، مانند سایر تعلیمات اختصاصی باید در مراحل تحصیلات عالی، ارائه شود.
- در موسسات تحصیلات عالی دینی، باید سرمایه‌گذاری‌های مورد نیاز صورت گیرد تا این مؤسسات، مجبور به جمع‌آوری اعانه از داخل و خارج کشور نباشند و به این ترتیب، از وابسته‌گی به افراد و گروه‌های خاص، رهایی یابند.

#### ۴- رفع نا امنی و خشونت:

- عملیات نظامی و حملات تروریستی، میزان بالای قربانیان جنگ از میان نظامیان و غیر نظامیان، تخریب زیر ساخت‌ها و محدودیت سیر و سفر، میزان سنج‌های نبود صلح در افغانستان استند.
- در واقع قابل درک است که صلح باید پایدار و دوامدار باشد؛ همزمان رابطه صلح و امنیت جدایی ناپذیر است و یکی بدون دیگری نمی‌تواند دوام پیدا کند.

چهار دهه جنگ و بحران در افغانستان در کنار این که آسیب‌های فراوان به امنیت وارد کرده است، سبب ایجاد مشکلات بزرگتری در زنده‌گی اجتماعی افغانها شده است.

منازعات اجتماعی موجود؛ چه منازعاتی که ریشه‌های قومی و زبانی دارند، یا آنهایی که به دلایل اقتصادی از جمله تقسیم منابع به ویژه زمین به وجود آمده است یا حتا گسست‌های اجتماعی که از خانواده‌ها سرچشمه می‌گیرد، بسیار بیشتر از تأمین صرف امنیت، اهمیت و نیاز به توجه و برنامه ریزی دارد.

با در نظر داشت این معقوله که «زور مردم، زور خداست» شرکت

به شمول ۳ میلیون دختر در مکاتب دولتی و غیر دولتی مشغول فراگیری دروس استند؛ اما هنوز نزدیک به ۲ میلیون کودک افغان از رفتن به مکاتب محروم اند به ویژه در مناطق دور افتاده و نا امن. در زمینه تحصیلات عالی، در سال ۲۰۱۹ در دانشگاه‌های دولتی و غیر دولتی بیش از ۳۷۰ هزار تن در مقطع لیسانس مشغول فراگیری اند که از این میان ۴۰ درصد را بانوان تشکیل می‌دهند. در واقع دو سوم آنهایی که از مکتب فارغ می‌شوند زمینه ادامه تحصیلات شان را ندارند. در حالی که نسل جوان افغان، بهترین زمینه تعلیم و تربیه و تحصیلات عالی را در مقایسه با تاریخ گذشته دارند، هنوز نیاز به توسعه این عرصه به شدت وجود دارد. زمینه‌های ادامه تحصیل در خارج هم برای افغان‌ها فراهم شده؛ اما این فرصت همچنان خطر فرار مغزها را به وجود آورده و از سویی هم کشورهایی که زمینه تحصیلات عالی را برای افغان‌ها فراهم می‌کنند، از آن به عنوان وسیله مداخله در افغانستان سود می‌برند. از جانب دیگر آنهایی که امکان ادامه تحصیلات عالی را ندارند به منبع سربازگیری گروه‌های تروریستی مبدل می‌شوند.

در جهت رسیدن به صلح پایدار، بیسوادی و جهل، یکی از چالش‌های عمده به شمار می‌رود و برای رفع این چالش، موارد آتی، پیشنهاد می‌شود:

- دولت و شرکای جهانی آن برای مبارزه با بیسوادی و جهل، برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت را طرح و تطبیق نمایند.
- در نصاب تعلیمات ابتدایی، مضمونی زیر عنوان صلح، گنجینه‌شود تا به احیای فرهنگ صلح از بنیاد، پرداخته



اقتصادی افغانستان در جهت صلح، باید در صدر برنامه های دولت و جامعه جهانی قرار داشته باشد.

- تلاش برای تأمین صلح باید از محیط خانواده ها آغاز شود و هر فرد به عنوان عضو یک خانواده یا عضو خانواده بزرگ (جامعه) باید در ترویج و تبلیغ صلح، سهم خویش را داشته باشد.

- از آنجا که تعریف واضح و همه پذیر از منافع ملی وجود ندارد و این وضعیت سبب شده است که سلیقه های افراد و گروه ها در تعریف این منافع پر رنگ باشد و باعث ایجاد اختلافات در این زمینه شود، این مبهم باید در گفتگو های صلح و بعداً در جریان تعدیل قانون اساسی، واضح گردد.

#### ۵- همدیگر پذیری:

شرکت کننده گان تأکید داشتند که جامعه ما ترکیبی از اقوام و ملیت های مختلف است. در جریان حاکمیت های استبدادی و در سال های جنگ و بحران، تنش میان گروه های قومی مختلف وجود داشته و شدت یافته است، به حدی که در حال حاضر یکی از بزرگترین عوامل بحران در افغانستان، تنش های قومی است که عمدتاً از سوی نخبه گان اقوام مختلف دامن زده می شود.

تجربه نشان داده است که قدرت طلبی قوم محور، چه به وسیله نیرو های نظامی منظم یا گروه های غیر مسئول، نمی تواند راه حل مشکلات موجود در افغانستان باشد. تجربه بعد از سقوط طالبان در ۲۰۰۱ یکبار دیگر این مهم را برجسته ساخت. عدالت اجتماعی بر بنیاد تعمیم و تأمین حقوق شهروندی، بدیل مناسبی برای تنش های قومی در افغانستان به شمار می رود.



کننده گان تأکید داشتند که اگر افغان ها، برای تأمین صلح در سرزمین شان اراده کنند، حتماً به این نعمت، دست خواهند یافت. موارد عمده ای که برای رسیدن به قطع جنگ، در گام نخست و دست یابی به صلح پایدار اجتماعی در گام های بعدی، باید مطمع نظر باشند:

- مردم می توانند به عنوان اهرم فشار بر دولت، مخالفین مسلح و بازیگران جهانی قضیه افغانستان، در جهت تأمین صلح، عمل کنند.

- پیش از هر گونه توافق صلح، باید آتش بس میان دولت و طالبان اعلام و رعایت شود.

- مسئله افراد مسلح مربوط به طالبان، یکی از موارد عمده ایست که در تأمین امنیت پایدار باید به آن توجه شود.

- خلع سلاح آنها باید در گفتگو های صلح، مطرح باشد.

- به جز روابط دولت با دولت، هیچ گروه سیاسی به ویژه، گروه های مسلح مخالف نباید روابط مستقیم با کشور های مختلف داشته باشند و با استفاده از این روابط برای رسیدن به قدرت، اقدام کنند.

- برای تأمین صلح و امنیت پایدار نیاز است که گفتگو های صلح و نتایج به دست آمده از آن، تضمین های منطقه یی و جهانی را در کنار خود داشته باشد.

- کشور های منطقه و جهان نباید از طریق وابسته ساختن گروه های سیاسی به ویژه، گروه های مسلح مخالف، منافع شان در افغانستان را دنبال کنند.

- تبلیغ گسترده و هدفمند با در نظر داشت وضعیت اجتماعی و





فراوانی صورت گرفته؛ اما در هیچ کدام از این مقاطع تاریخی، تلاش جدی و اساسی برای تأمین عدالت صورت نگرفته است. اعدام های غیر قانونی، قتل های دست جمعی، کوچ اجباری، حمله بر اماکن عمومی و غیر نظامی، حملات انتحاری، پرتاب سلاح سنگین بدون هدف و ترور و قتل های هدفمند از سوی گروه های شامل و بیرون دولت در چهار دهه اخیر به تکرار اتفاق افتاده؛ اما کسی پاسخگوی این جنایات نبوده است. تعمیم و تأمین عدالت باید از مشخصه های اصلی فرایند صلحی که قرار است به وجود بیاید باشد و برای دست یابی به چنین وضعیتی نیاز است که مسایل مهمی که در ذیل می آید، مطمع نظر طرف های گفتگو کننده صلح باشد:

- حقوق و ارزش های شهروندی، نباید قربانی گفتگو ها و تأمین صلح گردد و همه طرف های گفتگو کننده صلح، باید به تأمین و ترویج حقوق و ارزش های شهروندی، از جمله عدالت، پابند باشند.
- زنان افغانستان باید از حقوق عادلانه بر خوردار باشند و چشم پوشی از این حقوق، نباید قیمت گفتگو های صلح باشد.
- برنامه عدالت انتقالی، در یک گفتمان ملی، باید بررسی شده و غنا یابد تا هیچ فرد و گروهی نتواند از آن سؤ استفاده کند.

- عدالت باید یکسان تطبیق شود و وضعیتی ایجاد شود که مردم خود را در آینه عدالت ببینند.
- برای رسیده گی به بی عدالتی ها و به ویژه جرایم جنگی که در چند دهه اخیر به وقوع پیوسته، باید برنامه های شفاف و مطابق با شرایط زمان و مکان، طرح و تطبیق شود.

در کنار این تنش ها، جنگ های چهار دهه اخیر، موج های مهاجرت ناشی از این جنگ ها به بیرون یا از یک نقطه به نقطه دیگر کشور و به وجود آمدن افراد و گروه های زورمند و گروه های جنایت کار سازمان یافته، تنش های مضاعف اجتماعی را به وجود آورده است. در حالی که رسیده گی به این مشکلات نیازمند زمان است؛ اما اگر به این مشکلات رسیده گی صورت نگیرد، صلح پایدار در افغانستان به وجود نخواهد آمد.

بنابراین نیاز است که به موارد ذیل، توجه جدی صورت گیرد:

- مردم از هر قشر و گروه اجتماعی باید در روند صلح شریک بوده و حضور خود را احساس کنند.
- حل منازعات منطقه یی بر سر تقسیم آب و زمین، در صدر آجندای بعد از به نتیجه رسیدن گفتگو های صلح باید باشد.
- امنیت روانی مردم در سال های جنگ و بحران به شدت صدمه دیده است. برای رفع این مشکل، دولت و جامعه جهانی باید برنامه های کوتاه مدت، میان مدت و دراز مدت را طرح و اجرا کنند.
- همه طرف های افغانی صلح، باید در عمل، نشان دهند که سیاست های شان بر بنیاد منافع قومی نمی چرخد و به این گونه اعتماد مردم بر فرایند صلح را جلب کرده و زمینه احیای وحدت میان باشندگان کشور را فراهم سازند.
- منابع موجود و خدمات عمومی باید به طور یکسان در خدمت اقشار و اقوام مختلف کشور، قرار داده شود تا سبب تشدید عقده های قومی و منطقه یی نگردد.
- سیستم استخدام کارمندان دولت باید بر مبنای عدالت اجتماعی، استوار بوده و از سلیقه های سیاسی، قومی و مذهبی، به دور باشد.

## ۶- عدالت برای همه افغان ها:

صلحی که در فرایند آن، عدالت تأمین نشود یا حتا صدمه ببیند، نمی تواند صلح واقعی و پایدار محسوب گردد. اکثریت شرکت کننده گان به این باور بودند که عدالت، هم در ارشادات دینی و هم در چهارچوب ارزش های بشری، جایگاه و اهمیت ویژه ای دارد. در قرن های استبداد و دهه های جنگ و بحران، بی عدالتی های

## جمع‌بندی:

قرار نگیرد، این نتیجه مصداق نوشتن در یخ و گذاشتن در آفتاب خواهد بود.

شنیدن صدای مردم، در نظر گرفتن نگرانی‌ها و پیشنهادات شان و قایل شدن نقش برای آنها در روند صلح، کمک خواهد کرد تا نتیجه به دست آمده از گفتگو‌های صلح، به صلح پایدار و قابل پذیرش منتج شود.

تنها در صورتی که مردم افغانستان خود را شریک و مالک صلح بدانند نه فقط پذیرنده تصامیمی که دیگران می‌گیرند، صلح می‌تواند دوامدار و تأمین‌کننده منافع همه باشد.

گروه پایسی افغانستان در همکاری با شرکای داخلی و خارجی خود، متعهد است که در طول روند گفتگو‌های صلح تا به نتیجه رسیدن آن و حتا بعد از توافق صلح، پنجره‌ای برای بلند کردن صدای مردم باشد.



در صورتی که گفتگو‌های صلح به نتیجه برسد یا از این گفتگو‌ها نتیجه‌ای به دست نیاید، تأثیر آن بر زنده‌گی مردم افغانستان، عمیق خواهد بود.

اما اگر گفتگو‌ها فقط در نتیجه معاملات سیاسی و داد و گرفت‌های قدرت، به نتیجه برسد و به مسایل بزرگتر در این گفتگو‌ها توجه نشود، این مردم افغانستان خواهند بود که آسیب وضعیت ناشی از این‌گونه نتیجه را بر دوش خواهند کشید.

به این دلیل قابل درک است که با وجود اختلاف نظر‌ها و دیدگاه‌ها، اکثریت شرکت‌کننده گان به این باور بودند که صدای ناشنیده‌شان در فرایند صلح باید به گوش بازیگران این روند برسد به ویژه آن موارد که توافق نظر روی شان وجود داشته است.

در حال حاضر احتیاط کافی نیاز است تا از شایعه پراگندی در مورد گفتگو‌های صلح و یا درز اطلاعات ناموثق در این زمینه، جلوگیری شود. در حالی که هنوز آتش بس به میان نیامده، نیاز است تا طرفین گفتگو‌کننده به شمول تسهیل‌کننده گان این گفتگو‌ها، اطلاعات دقیق و موثق از محتوای گفتگو‌های شان را در اختیار اذهان عامه قرار دهند تا شفافیت به وجود آمده و در نتیجه آن اعتماد مردم به این روند جلب شود.

به همین ترتیب اگر طرفین گفتگو‌کننده حاضر به شنیدن نظریات و دیدگاه‌های بیشتری در رابطه به فرایند صلح باشند، این امر در رسیدن به یک نتیجه مطلوب از گفتگو‌های جاری، کمک خواهد کرد.

در صورتی که نتیجه گفتگو‌های صلح از سوی مردم مورد پذیرش



## Imprint

© 2019 Friedrich-Ebert-Stiftung Afghanistan Office  
Kabul, Afghanistan

Responsible:

**Dr. Magdalena Kirchner** | Country Director

T +93 (0) 700280441

[www.fes-afghanistan.org](http://www.fes-afghanistan.org)

 Friedrich-Ebert-Stiftung Afghanistan

To order publication:

[info@fes-afghanistan.org](mailto:info@fes-afghanistan.org)

Commercial use of all media published by the Friedrich-Ebert-Stiftung (FES) is not permitted without the written consent of the FES.

محمد فهیم دشتی روزنامه نگار و نویسنده ایست که زنده گی حرفه یی اش را از سال ۱۳۷۱ با کار در هفته نامه کابل آغاز کرده است؛ رسانه ای که در سال ۱۳۷۴ توسط دولت مجاهدین متوقف ساخته شد. پس از آن دشتی به عنوان کارمند رسانه یی برای جبهه مقاومت ضد طالبان تا سال ۱۳۸۰ فعالیت می کرد.

در سال ۱۳۸۱ دشتی هفته نامه کابل را دوباره احیا کرد و تا ۱۳۹۲ به عنوان صاحب امتیاز و مدیر مسؤول آن فعالیت کرد. از ۱۳۹۳ دشتی به عنوان رییس اجرایی اتحادیه ملی ژورنالیستان افغانستان خدمت کرده و در ۱۳۹۶ به عنوان رییس این اتحادیه برگزیده شد. دشتی از یک سال به این سو به عنوان هماهنگ کننده گروه پالیسی افغانستان نیز فعالیت می کند. دشتی نویسنده چهار عنوان کتاب به شمول «پایان بازی/ افغانستان در دودهه اخیر» نیز است.

نظریات ارائه شده در این رساله الزاماً نظریات بنیاد فریدریش ایبرت یا گروه پالیسی افغانستان نیست.

بنیاد فریدریش ایبرت یک نهاد آلمانی غیر انتفاعی و متعهد به آرمان های سوسیال دموکراسی است.

این بنیاد در ۱۹۲۵ به افتخار نخستین رئیس جمهور انتخابی آلمان (فریدریش ایبرت) بنیان گذاری شد و تا امروز وظیفه اصلی اش؛ یعنی ترویج آزادی، همبسته گی و عدالت اجتماعی را از طریق پروسه های سیاسی در داخل و بیرون آلمان دنبال می کند.

بنیاد فریدریش ایبرت در افغانستان با همکاری نهاد های ملی از ۲۰۰۲ به این سو فعالیت می کند. برنامه های این نهاد با هدف استحکام ساختار های دموکراتیک- از سطح محل تا سطح ملی- افزایش میزان مشارکت سیاسی جوانان، بلند بردن نقش و حضور زنان و تساوی جنسیتی، ترویج رسانه های آزاد و حرفه یی، عدالت اجتماعی در اقتصاد رسمی و غیر رسمی و همکاری های منطقه یی برای صلح و توسعه، راه اندازی می کند.